

یک آهنگساز جوان ایرانی مقیم هلند فیلم مستندی از زندگی و آثار هایدته تهیه کرد

شیراز زندگی می کردم هایدته درگذشت. در آن زمان حتی او را نمی شناختم اما از واکنشی که افراد خانواده و آشنایان به مرگ هایدته نشان دادند، توجه من به صدای او جلب شد.



پژمان اکبرزاده در مورد علاقه خود به صدای هایدته گفت: صدای او تاثیر عمیقی بر من گذارد و سالهای سال است که به آوازهای او گوش فرا می دهم. گرچه او یک خواننده بود و من یک نوازنده پیانو هستم، اما صدای او الهام بخش بزرگی برای موسیقی بوده است. پژمان اکبرزاده در مورد دلایل ساخت این فیلم مستند گفت: به این نتیجه رسیدم که وظیفه دارم کار بزرگی در خور این خواننده پراوازه ایرانی برای او انجام دهم. به همین دلیل چندین سال در مورد او به تحقیق و بررسی پرداختم و از تهران به لس آنجلس سفر کردم تا داستان زندگی او را دنبال کنم و مطلب کاملاً جدیدی که پیش از این در مورد او انتشار نیافته را جمع آوری کردم.

وی افزود: این فیلم مستند به طور عمده بر فعالیت های هنری هایدته متمرکز است، اما با تولد او در سال ۱۳۲۱ (۱۹۴۲) آغاز می شود. بخش اصلی این فیلم مستند از سال ۱۳۴۷ (۱۹۶۸) یعنی سالی که او ترانه «آزاده» را خواند و یک خواننده حرفه ای شد تا ژانویه ۱۹۹۰ یعنی زمان مرگ او را در بر می گیرد. البته مطالبی نیز پس از سال ۱۹۹۰ وجود دارد که در آنها به دلایل مرگ وی و ترانه های خوانندگان و موسیقیدانان ایرانی در بزرگداشت هایدته نیز پرداخته شده است.

پژمان اکبرزاده در مورد انتظار خود از تاثیر این فیلم بر تماشاچیان، به ایران تایمز گفت: می خواهم مردم هایدته را فقط به عنوان یک خواننده نبینند. او یکی از اعضای جامعه ما بود و آنچه که در چند دهه گذشته روی داده است از جمله دوران حکومت شاهنشاهی، انقلاب، جنگ و مهاجرت تاثیر زیادی بر کار او به عنوان یک هنرمند داشت. پژمان اکبرزاده زمانی که ۱۵ ساله بود به تحقیق در مورد موسیقیدانان قرن بیستم ایران پرداخت و در سال ۲۰۰۰ نخستین کتاب خود را در این زمینه منتشر کرد، وی بین سالهای ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵ با روزنامه های «اصلاح طلب» تهران همکاری داشت و در سال ۲۰۰۶ به منظور ادامه تحصیل در رشته موسیقی به هلند رفت. وی که در سن ۹ سالگی نواختن پیانو را آغاز کرد نخستین کنسرت پیانوی خود را در ماه مارچ سال ۲۰۰۸ در آمستردام اجرا کرد و سپس این کنسرت را در آلمان و کانادا نیز به اجرا در آورد.

تیم های اماراتی، ایرانی ها را اخراج کردند

مربی آلمانی النصر سه بازیکن ایرانی این تیم را اخراج کرد.

رضا عنایتی، مهرداد معدنچی و محمد نصرتی سه بازیکن ایرانی اخراج شده تیم النصر بودند. مبعولی از تیم الوصل امارات اخراج شد. دبی - «ایمان مبعولی» و «خلیف مبارک الشامسی» مربی کروات تیم فوتبال الوصل امارات امروز/ پنجشنبه/ توسط مسوولان این تیم اخراج شدند. اشامسی سومین مربی تیم الوصل امارات است که در فصل جاری لیگ این کشور اخراج می شود. به گزارش ایرنا، خلیف مبارک الشامسی اماراتی جایگزین ستریشکو کروات شده بود.

تیم الوصل هم اکنون با ۱۱ امتیاز از ۱۰ بازی در رده هشتم لیگر برتر امارات قرار دارد.

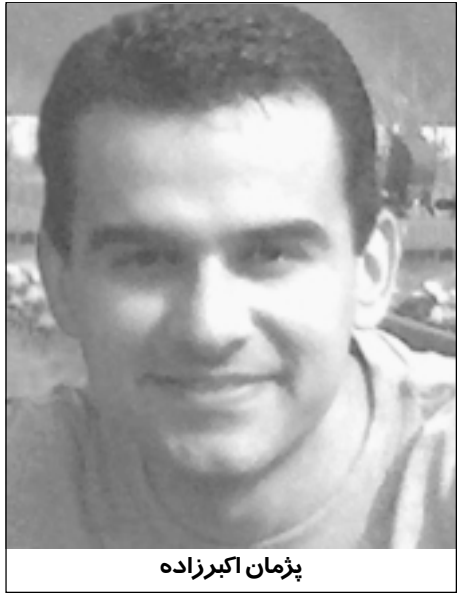
برای نخستین بار یک ایرانی در مسابقات

«جام جهانی فدراسیون بین المللی اسکی» در اتریش شرکت می کند

«حسین کلههر» که ۲۴ سال دارد و اهل شهر «دیزین» در نزدیکی تهران، نخستین اسکی باز ایران است که در «مسابقات جام جهانی فدراسیون بین المللی اسکی - International Ski Federation World Cup» که در «کیتسبوها - Kitzbuhel» اتریش برگزار می شود، شرکت می کند. به گزارش «کانادا نیوز وایر- Canda News Wire» حسین کلههر که پدرش به شغل کشاورزی در بلندی های شهر دیزین، که یکی از معروف ترین پیست های اسکی ایران، در آن واقع شده، مشغول

واشنگتن - سرویس خبری ایران تایمز: یک آهنگساز و نوازنده ایرانی بیانو که از دوران کودکی به هایدته خواننده پراوازه علاقه مند بوده است، با جمع آوری اسناد، مدارک، مصاحبه ها و اظهار نظرهایی که در مورد این خواننده ایرانی صورت گرفته است یک فیلم بلند مستند تهیه کرده است.

در فیلم مستند ۱۰۰ دقیقه ای «سخن از هایدته» که «پژمان اکبرزاده» آن را تهیه کرده است اظهار نظرهایی در مورد این خواننده خوش صدای موسیقی سنتی ایران از سوی فرح پهلوی شهبانوی سابق ایران، «محمد حیدری» آهنگساز، «فرونوش بهزاد» رهبر ارکستر و «محمود خوشنাম» منتقد موسیقی ابراز می شود. «پژمان اکبرزاده» آهنگساز ۲۸ ساله ایرانی مقیم هلند، یک فیلم مستند ۱۰۰ دقیقه ای به نام «سخن از هایدته» از زندگی و ترانه های هایدته خواننده مشهور ایرانی تهیه کرده است که در آستانه بیستمین سالروز درگذشت وی در روز پنجم بهمن - ۲۴ ژانویه در «مرکز فرهنگی گریفیون - GriffioenCultural Center» وابسته به دانشگاه آمستردام به نمایش در خواهد آمد. در این فیلم مستند، اظهار نظرهایی در مورد هایدته از سوی فرح پهلوی شهبانوی سابق ایران، «محمد حیدری» آهنگساز، «فرونوش بهزاد» رهبر ارکستر و «محمودخوشنাম» منتقد موسیقی ابراز می شود. این فیلم به زبان فارسی و زیرنویس انگلیسی است.



پژمان اکبرزاده که مدیر و تهیه کننده بخش موسیقی «رادپوز زمانه» در آمستردام است، در گفتگویی با ایران تایمز در مورد علاقه خود به هایدته گفت: من از دوران نوجوانی به هایدته عشق می ورزیدم و به همین دلیل نوارها، مطلب و موارد بسیاری در ارتباط با وی از همان زمان جمع آوری کرده ام. اما دو سال پیش فعالیت همه جانبه ای را برای جمع آوری مطالب مورد نیاز برای تهیه این فیلم مستند آغاز کردم و این فیلم را در دسامبر سال ۲۰۰۸ به پایان رساندم. پژمان اکبرزاده همچنین گفت: این فیلم پس از نمایش در آمستردام، در ماه می در «جشنواره فیلم نور» در آمریکا نیز نشان داده خواهد شد. وی افزود: زمانی که ۹ سال بیشتر نداشتم و در

ابن سینا و ابوریحان بیرونی معاصر فردوسی اند و رازی، طبری، فارابی، غزالی، خیام و بیهقی با کسی فاصله ی زمانی به همان دوران شکوفائی و تجدید حیات فرهنگی ایران تعلق دارند. در کمتر دورانی از تاریخ ایران چنین آسمان پرستاره ای از چهره های علم و ادب و هنر و فلسفه و حکمت و سیاست و آن جوشش و تلاش شکوهمندانه و همه گیر را می توان دید و به جرات می توان گفت که این دوران در نوع خود بی نظیر است. در این دوران شکوفائی فرهنگی، بازگشت به گذشته نه به معنای ارتجاعی آن بلکه به معنای تجدید حیات فرهنگ کهن در سطحی به مراتب بالاتر، بسیار چشمگیر است. پژوهش و نگاه به گذشته برای ساختن آینده، بازیابی آنچه که کم شده ولی ارزش خود را از دست نداده است، یکی از جهت های اصلی و اساسی شکوفائی فرهنگی بود. فردوسی با شاهنامه اش شاید عالی ترین تبلور و تجسم تجدید حیات فرهنگی ایران باشد. او با خلق این اثر تمام وظایف و رسالت لازم برای به ثمر رسیدن رنسانس فرهنگی ایران بعد از هجوم تازیان را از زنده کردن و بازسازی گذشته و انعکاس اوضاع زمان حاضر گرفته تا استوار کردن پایه های زبان پارسی را در سطحی عالی و متعالی به انجام رسانده، و شاهنامه این اثر بی نظیر زبان و ادب پارسی را در قلب دوران جای داده است.

حال که از نقش فردوسی و اهمیت کارش در بازسازی زبان و ادبیات فارسی سخن گفتیم، ضروری است کلامی چند نیز از جهان بینی و حکمت و اندیشه اش که سبب شده به او لقب حکیم در تاریخ ایران داده شود بگوئیم. بنیاد فکر و اندیشه ی فردوسی بر خرد استوار است. شاهنامه با این ابیات زیبا در ستایش خرد و خردمندی آغاز می شود:

به نام خداوند جان و خرد

کزین برتر اندیشه برنگذرد

خداوند نام و خداوند جای

خداوند روزی ده رهنمای

خداوند کیوان وگردان سپهر

فروزنده ی ماه و ناهید و مهر
ز نام و نشان و گمان برترست

نگارنده ی بر شده پیکرست

به بینندگان آفریننده را

نبیند، مرجان دو بیننده را

نیابد بدو نیز اندیشه راه

که او برتر از نام و از جایگاه
سخن هرچه زین گوهران بگذرد

نیابد بدو راه جان و خرد

خرد گر سخن برگزیند همی

همان را گزیند که بیند همی
خرد را و جان را همی سنجد اوی

در اندیشه ی سخته کی گنجد اوی

به هستیش باید که خستو شوی

ز گفتار بی کار یکسو شوی
بدین آلت رای و جان و زبان

پرستنده باشی و جوینده راه

به ژرفی به فرمانش کردن نگاه
ز نیرو بود مرد را راستی

ز سستی کزی آید و کاستی

توانا بود هرکه دانا بود

زدانش دل پیر برنا بود
از این پرده برتر سخن گاه نیست

ز هستی مر اندیشه را راه نیست

از دیدگاه فردوسی مهمترین صفت آفریدگار جهان این است که خداوند جان و خرد می باشد. هرچند او را از طریق خرد نمی توان شناخت. جان و خرد که خود آفریننده اند نمی توانند به آفریننده راه یابند.

خرد را و جان را همی سنجد اوی

در اندیشه ی سخته کی گنجد اوی
به هستیش باید که خستو شوی

ز گفتار بی کار یکسو شوی
هرچه که جز خرد است «هر آنچه که آفریده است»
فرو دست خرد است. از نقطه نظر و در دایره ی جهان بینی فردوسی «خرد برترین داده ی ایزد است» و در توضیح بیشتر آن چنین می فرماید:

خرد بهتر از هرچه ایزد بداد

ستایش خرد را به از راه داد
از دیدگاه فردوسی غم و شادی انسان رابطه ی مستقیم با میزان خرد او دارد. سرنوشت انسان به خود او و خرد او وابسته است. در واقع این خرد است که تعیین کننده می باشد:

خرد رهنمای و خرد دلگشای

خرد دست گیرد به هر دو سرای
از او شادمانی و زویت غمبست

و زویت فروزی و زویت کمی است

ادامه مطلب سیر و سفری در گلستان... از صفحه ۳۵

از اوئی پیر دو سرای ارجمند

گسسته خرد پای دارد به بند
تردید نیست که فردوسی یکتاپرست معتقد و مؤمنی بوده است ولی او پای کردگار جهان را در هر نیک و بدی به میان نمی کشد. ماورالطبیعه یا متافیزیک را به طور مستقیم در هرامری دخالت نمی دهد. اساس جهان را بر خرد استوار می داند که نخستین آفرینش است. نخست آفرینش خرد را شناس - از دیدگاه جهان بینی فردوسی آنچه بر خرد استوار است ایزدی است و آنچه دور از خرد باشد، کار دیوان و ددان و دیوانگان است - مرز میان درست و نادرست، پذیرفتن و یا ناپذیرفتن خرد است. نظامی که بر خرد استوار باشد، رفتاری که خردمندانه باشد، درست و پذیرفتنی است و نظامی که خلاف عقل بوده و رفتاری که ناخردمندانه باشد، نادرست و ناپذیرفتنی است. فردوسی به ویژه در مورد پادشاهان و نظام های حکومتی خرد را همواره داور می گیرد. نظام بخردانه را می پسندد و حمایت می کند. و نظام نابخردانه را طرد می کند و علیه آن می شورد. از دیدگاه فردوسی بهترین صفت پادشاهان و پهلوانان و اگر امروز می زیست مسلمان رؤسای جمهور را نیز مشتمل می کرد، خردمندی و دادگری و انصاف است و بدترین صفت آنان نابخردی و بیدادگری، نخستین درگیری جدی در داستان های شاهنامه، از زمان جمشید آغاز می شود که مردم بر او شورش می کنند و به ضحاک می پیوندند چون جمشید از دایره ی خرد و دادگری پا بیرون نهاده است. فردوسی علت جدائی مردم از جمشید را چنین بیان می کند:

بر او تیره شد فره ایزدی

به کزّی گزائید و نابخردی
از آن پس در همی ی های شاهنامه آنچه تعیین کننده مرزهاست خرد است. جهان بینی خردگرایانه که فردوسی در برخورد به تاریخ و داستان های تاریخی دارد ویژه ی خود اوست. نظیر آن را در هیچ یک از تدوین کنندگان خداینامه و گردآورندگان داستان ها و اسطوره های باستانی نمی توان یافت. در آن داستان ها و اسطوره های باستانی نظام جهانی بر علت و معلول استوار نیست. بسیار چیزهایی می توان یافت که از درک و پذیرش آن عقل آدمی عاجز و قاصر است. فی المثل از مقدمه ی شاهنامه ی ابومنصوری که باقی مانده است می توان دریافت که در آن شاهنامه چیزهایی که خارج از دایره ی عقل و خرد است بسیار بوده و پیوند چندان میان «علت و معلول نبوده است» در تاریخ طبری نیز نقش ماوراء الطبیعه-متافیزیک- تعیین کننده است. چه در داستان های تاریخی ایرانی و چه در اسطوره های یونانی، عبری و عربی جادو و طلسم و نظایر آن نقش اصلی ایفا می کند و جای زیادی برای خرد نیست. در حالیکه در بنیاد فکری فردوسی خرد آدمی باید مبنا و اساس هر کار باشد. عواملی که موجب گشت فردوسی به کار خلق شاهنامه بپردازد، بسیاری از مهمترین آنها آتش عشق و وفاداری عظیم و بی امانی بود که در درون او برای تثبیت و حفظ و تداوم زبان فارسی به عنوان زبان اصلی مردم ایران شعله می کشید. فردوسی مصمم شده بود به نجات زبان فارسی که مظهر هویت ملی ایرانیان است و در نتیجه حدود چهار قرن استیلای عرب به تنهایی رفته و نیز ارزش های والای آریائی که در اثر از خود باخترکی تحمیلی بیگانگان به فرهنگ تعلق و دورویی و پستی و ذلت و زور پذیری تبدیل شده اقدام کند. فردوسی شعر را که آواز دل است در قالب زبان فارسی و در یک نهاد حماسی که فریاد جنگ و اعتراض فرهنگی است عرضه کرد. صفات بارز و خصایل قابل احترام انسانی، از قبیل شجاعت، وطن پرستی و پای بندی به اخلاق را در قالب رستم، خردمندی، آگاهی و روشن دلی را در قالب زال، فرّ ایزدی و کمال روحانی را در قالب کیخسرو، قیام پردازی را در قالب کاوه آهنگر و بالاخره عفت، وفاداری و عشق و شجاعت زن را در قالب قهرمانان زن چون رودابه، منیژه، کنایون، سمیندخت و تهمنه متبلور ساخت. فردوسی نه با شمشیر بلکه با نیروی خرد، احساس، معنویت، حکمت، کرامت، سخاوت، پایداری و شجاعت اخلاقی به جنگ اهریمن ظلم، استبداد، ارتجاع، و فساد و بیدادگری رفت و ازاین نبرد تاریخ پیروزمند و جاودان بیرون آمد. شاهنامه کاخ بلند و رفیع اوست که جاودانه از گزند دوران در امان خواهد ماند. خودش می فرماید:

بسی رنج بردم در این سال سی

عجم زنده کردم بدین پارسی
بناهای آباد گردد خراب

ز باران و از تابش آفتاب

پی افکندم از نظم کاخی بلند

که از باد و باران نیابد گزند
نمیرم از این پس که من زنده ام

که تخم سخن را پراکنده ام

قرار است روزهای ۲۵ و ۲۷ ژانویه در این مسابقات شرکت کند. بنابراین گزارش، حسین کلههر که از توانایی و مهارت بسیار زیادی در اسکی برخوردار است، در مسابقات جهانی اسکی در سال ۲۰۰۷ توانست به مقام دوم دست یابد و در سال ۲۰۰۸ نیز به مقام سوم رسید و مدال برنز دریافت کرد.

وی قرار است پیش از شرکت در مسابقات جام جهانی فدراسیون بین المللی اسکی در کیتسبوها، در روزهای ۲۰ و ۲۱ ژانویه در مسابقات اسکی اتریش که در «کیرج برگ - Kirchberg» و «وستندروف - Westendorf» برگزار می شود، و همچنین در مسابقات «شلادمینگ - Schladming» که در ۲۷ ژانویه و به هنگام تاریکی هوا صورت می گیرد نیز شرکت نماید.

است، در مورد شرکت خود در این مسابقات گفت: همواره آرزوی شرکت در مسابقات جام جهانی فدراسیون بین المللی اسکی در کیتسبوها را داشتم و به همین دلیل تمام کوشش خود برای کسب امتیاز در این مسابقات را به عمل خواهم آورد. گفته می شود گرچه ایران دارای کوه های پوشیده از برف و پیست های اسکی فراوانی است، اما اسکی بازان ایرانی تا کنون در مسابقات بین المللی چهره برجسته ای از خود نشان نداده اند.

حسین کلههر که به مدت چندین هفته با «مایکل استوکر» مربی فدراسیون اسکی ایران در پیست اسکی دیزین جهت آمادگی برای شرکت در مسابقات جام جهانی فدراسیون بین المللی اسکی به تمرین پرداخته،